

متن پرسش

مجله سیاست‌نامه در شمارهٔ اخیر خود تصویری از دکتر رضا داوری اردکانی را روی جلد برد و با تیتیر «فیلسوفِ بازنده» به استقبال نود سالگی این متفکر معاصر رفت. دکتر داوری در واکنش به این مجله در یادداشت کوتاهی نوشت: «من در درون شکست نخورده‌ام، زیرا تعلقم به تفکر را حفظ کرده‌ام.» ایشان در ادامه این متن صراحتاً اعلام می‌کند که متن منتشر شده در مجلهٔ سیاست‌نامه یادداشت‌های تنهایی او بوده که آن را برای چاپ و انتشار نوشته است! متن مقاله در کانال وارستگی منتشر شده است: https://eitaa.com/varastegi_ir/۶۹۱ جناب استاد اگر یادداشت را خواندید ممنون می‌شوم نظر خود را بفرمائید. باتشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که استاد فرموده‌اند یادداشت‌های تنهایی ایشان بوده حاکی از آنکه سخنان و نگاه ایشان به عالم و آدم، بسیار بیش از آنکه مدّ نظرها است می‌توانست مفید و کارساز باشد و در دل آن یادداشت، گویا استاد از خود پرسیده باشند چرا در این مورد شکست خورده‌اند؟! و کسانی که استاد را می‌شناسند می‌دانند که این نوع سخن‌گفتن، دأب ایشان است. ولی به نظر بنده اگر دکتر داوری فیلسوف فرهنگ و چهره ماندگار است، بیش از آنکه فیلسوف فرهنگ و چهره ماندگار باشد، فیلسوف فردای ما می‌باشد با تأثیری بسی بیشتر. زیرا در بستر انقلاب اسلامی با هویت جهانی این انقلاب و این‌که باید این انقلاب، سرنوشت بشر گرفتار شده به نژادپرستی غربی را تغییر دهد؛ این دکتر داوری است که در آن بستر برای آن‌هایی که می‌خواهند با عقل جهانی، انقلاب را بیان کنند، حرف‌ها دارد، همان‌طور که برای آنانی که امروز بنا دارند دینداری خود را به عمیق‌ترین شکل فهم کنند، نیازمند اشارات دکتر داوری می‌باشند. به یاد آورید وقتی آن‌طور که شایسته بود جناب مارتین هایدگر را پاس نداشتند. شاگرد چینی هایدگر این‌طور می‌گوید: وقتی رفتار غیر منصفانه متفقین را با هایدگر دیدم به او گفتم: «منکیوس می‌گوید: وقتی آسمانیان اراده می‌کنند که تکلیف سختی را بر عهده کسی بگذارند، نخست قلب او را از تلخی اندوه آکنده می‌کنند، رگ و پی و استخوانی‌های او را می‌پوسانند و کالبدش را به مشقت دچار می‌کنند و اعمال و آثارش را بی‌حرمتی می‌کنند تا آنکه قلبش مهبط الهام شود و طبیعتش انگیخته گردد و نقایصش جبران شود و از این همه، می‌آموزیم که حیات حقیقی از شور و اشتیاق و محنت و حرمان نشات می‌گیرد و از طرف دیگر مرگ حاصل بی‌دردی و لذت و تن آسایی است.» و بنده حقیقتاً هرچه بیشتر در جناب آقای دکتر رضا

داوری تعمق و تأمل می‌کنم، بیشتر احساس می‌نمایم که قلب او مهبط الهام فرشتگان است و می‌توان معنی حیات حقیقی را از اشارات او برگرفت و مگر می‌شود چنین مردی نسبت به غوغاسالاران، گمنام و غریب نباشد؟! طوبی للغربا.

بنا به گفته آقای دکتر سید مهدی ناظمی قره باغ : دکترداوری تلاش می‌کند به خوانندگانی که در آینده دارد اعلام کند که هیچ وقت «او را جدی نگرفته‌اند»؛ نه حاکمان و نه مخالفان ایشان. بنابراین هر چیزی که ممکن است مخالفانش درباره او بگویند از همین‌جا ریشه می‌گیرد که آنها هیچ وقت «دکتر داوری‌اردکانی فیلسوف» را نخوانده‌اند. موفق باشید